



برخی از مسائل فقهی عملیات روانی

پدیدآورنده (ها) : طائب، مهدی

میان رشته ای :: نشریه مطالعات عملیات روانی :: زمستان ۱۳۸۷ و بهار ۱۳۸۸ - شماره ۲۱

صفحات : از ۳ تا ۲۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1189762>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- عملیات روانی
- عملیات روانی از گذشته تا کنون
- عملیات روانی صوتی
- فرآیند جمع‌آوری اطلاعات در عملیات روانی
- عملیات روانی در گذر تاریخ
- کاربرد روان‌شناسی اجتماعی در عملیات روانی
- طرح‌ریزی و هدف‌یابی ماموریتی در عملیات روانی
- فرآیند تدوین تم‌سازی در عملیات روانی
- نماها و نمادها؛ استفاده از نقشه‌ها و تصاویر ماهواره‌ای در عملیات روانی
- مروری کوتاه بر عملیات روانی رژیم صهیونیستی علیه لبنان در جنگ اخیر
- مقایسه‌ای میان نیروی نظامی دولت عثمانی و صفوی
- نسبت حکم حکومتی با احکام و فتاوی مجتهدین در نظام سیاسی اسلام

عناوین مشابه

- برخی از مسائل و احکام فقهی روزه و ماه مبارک رمضان
- بررسی برخی از احکام و مسائل فقهی فیلم و نمایش با نگاهی به جایگاه رسانه دینی
- واکاوی فقهی و حقوقی عملیات روانی
- تحلیل فقهی-حقوقی برخی از مواد قرارداد مشارکت مدنی بانکی
- کاربرد عملیات روانی در پشتیبانی از عملیات تاکتیکی
- نقش و جایگاه برخی از سیاست‌مداران عصر رضاشاه درباره‌ی مسائل فرهنگی «محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، تیمورتاش، مخبرالسلطنه (مهدی‌قلی‌خان هدایت) و عیسی صدیق اعلم»
- عملیات روانی امریکا در عراق پس از جنگ
- استفاده از عملیات روانی به منزله یک ابزار استراتژیک
- عملیات روانی از گذشته تا کنون
- عملیات روانی امریکا از گذشته تاکنون

حجت الاسلام والمسلمین حاج مهدی طائب

چکیده

دین مبین اسلام پاسخگوی نیازهای انسان در همه اعصار است. سنت حوزه‌های علمیه به مثابه رکن و اساس مرجعیت دینی بر کشف و استنباط احکام فقهی از منابع اربعه قرآن، سنت و عقل و اجماع استوار است. فقه شیعی در طول تاریخ با مجاهدت علما و روحانیون، پاسدار حریم اسلام در برابر اندیشه‌های ناسفته کجروانه، چشمه جوشنده معارف پیامبر اعظم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) در رگ و پی جامعه اسلامی بوده است. اینک، بار دیگر، بر عهده حاملان علوم و معارف دینی است که دانش نوپدید عملیات روانی را از صافی اندیشه اسلامی بگذرانند و غث و ثمین آن را تمیز دهند. این پژوهش در نظر دارد تا برخی از احکام فقهی مترتب بر عملیات روانی را بیان کند.

واژگان کلیدی: فقه، نظام اسلامی، عملیات روانی.

مقدمه

در آیین اسلام رفتار و گفتار فرد مسلمان در چارچوب احکام خمسۀ فقه شامل وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و مباح بودن تبیین می‌گردد. انسان مسلمان در هر یک از رفتارهای فردی و اجتماعی از گستره قواعد احکام شرعی بیرون نیست و همچنانکه در حقوق فردی ملزم به پیروی از قواعد و اصول شرعی است، در روابط با افراد، گروه‌ها و جامعه ناگزیر از رعایت قوانین و مقررات شرعی است. از این رو، در اجرای عملیات روانی، همچون سایر موارد، تطبیق رفتار و گفتار با قواعد فقهی

ضروری است. این مقاله درصدد پاسخگویی به پاره‌ای از پرسش‌های فقهی است که ممکن است برای مجری و کارگزار عملیات روانی مطرح شود.

1. جبران ضرر وارده به افراد ناشی از عملیات روانی مشروع

عملیات فیزیکی برای دفاع از تهاجم دشمن، گاه به صحنه‌ای کشیده می‌شود که هیچ حالتی برای ادامه دفاع در برابر حمله نظامی دشمن وجود ندارد مگر آن راهی که موجب وارد آمدن خسارت و زیان به برخی از مسلمانان بی‌دفاع می‌گردد. برای نمونه، در برخی شرایط اضطراری، برای عبور ابزار و ادوات جنگی و رساندن تدارکات به خط مقدم جبهه، به ناچار خانه مسلمانان تخریب می‌شود؛ از تصرف فردی در بخشی از املاکش، خودداری می‌گردد؛ مزرعه کشاورزی به اجبار از بین می‌رود یا درختان باغی قطع می‌شود.

عملیات روانی برای خنثی کردن تهدید تبلیغی دشمن گاه با وارد کردن لطماتی به آبرو، حیثیت اشخاص یا گروه‌هایی همراه می‌شود. آیا چنین اقدامی مصداق دفاع مشروع به شمار می‌رود؟

طبق مبانی شرعی، عقلی و عقلائی، حکومت اسلامی و آحاد مسلمانان، وظیفه دارند برای دفع تجاوز دشمن از کیان اسلام دفاع و جهت پیش‌گیری از آسیب‌هایی که مال، جان، آبرو و باورهای مسلمین را تهدید می‌کند اقدام کنند. (امام خمینی، ص 485).

در حقوق، اگر افرادی که مورد اتهام قرار گیرند، یا ابهامات و ایراداتی توسط مدعی یا اصحاب دعوا بر علیه آنها مطرح شود، از خود دفاع و لایحه دفاعی برای دفع یا رفع اتهام‌ها و ادعاهایی که علیه این افراد طرح گشته، تهیه می‌کنند. (جعفری لنگرودی، ص 302).

بی‌شک "دفاع" متناسب با "تهاجم" دشمن صورت می‌پذیرد. اگر حمله، "نظامی" باشد، دفاع "فیزیکی" و اگر هجوم، "روانی" باشد، دفاع به صورت "تبلیغی و اطلاع‌رسانی" صورت خواهد گرفت.

با مراجعه به اهمیت و مبانی فقهی الزام و وجوب دفاع، متوجه می‌شویم که در شرایط خاص اگر دفاع در برابر متجاوز، متوقف بر ارتکاب چنین مواردی باشد، آن را ضروری می‌سازد. اما اذن ورود به چنین عرصه‌هایی که منجر به ایراد خسارت‌هایی به اشخاص می‌شود، بدین معنا نیست که خسارت‌دیدگان باید به طور رایگان این ضرر را متحمل شوند، بلکه این موارد از جمله مصارف و مخارج بیت‌المال است و از این محل خسارت‌های یاد شده به این افراد پرداخت می‌شود. عملیات یا مقابله روانی علیه تهاجم نرم دشمن نیز در همین حکم است. اگر در مقابله و خنثی‌سازی تهدید تبلیغی، ضرر و زیانی متوجه مسلمانی شد بدین ترتیب که بر حیثیت و آبروی او خدشه‌ای وارد گشت، باید به نحو مطلوب و متناسب، جبران و از بیت‌المال مخارج آن پرداخت شود.

در حقیقت مرز بین حاکمیت اسلام و کفر در چنین مواردی مشخص، و اهداف و شعارهای حکومت‌ها آشکار می‌شود. حکومت‌های طاغوت و ستمکار، تنها در پی تحکیم قدرت داخلی و خارجی خود هستند و حاکمان چنین نظام‌هایی برای رسیدن به هدف خود از هیچ اقدامی ابا ندارند. در این راه اگر حقوق دیگران ضایع شود برای آنها مهم نیست. در حالی که در حاکمیت الهی تلاش بر این است که جان، مال و حیثیت افراد، حفظ شود و مقررات و امور اجرایی حکومت، حریم‌های ممنوعه را رعایت کند. اگر به حکم اضطرار مجبور به ورود در حریم‌های ممنوع شد آن را در حد ضرورت متوقف ساخته، آنچه را از مرز ضرورت بیرون است، مرتکب نمی‌شود. در قرآن در این باره می‌خوانیم:

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۱

و اموال مردم را کم مدهید، و در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید. این رهنمودها اگر مؤمنید برای شما بهتر است.

^۱. اعراف، آیه ۸۵.

در نتیجه اگر در تهاجم بر دشمن ایراد ضرر به شکل غیرمستقیم متوجه فردی مسلمان شد و نسبت بدان اضطراب وجود داشت در همین حد که اصل ورود ضرر است، باید متوقف شود و بقیه ضرر، که جبران نکردن ضرر وارد آمده و عدم ادای خسارت از همین قبیل است، به آن ضمیمه نشود.

2. پایبندی به پیمان‌های جهانی

در اسلام، قواعد متقنی برای تأمین منافع دنیوی مردم نظام اسلامی و چارچوب‌های مشخصی برای رسیدن به سعادت اخروی در عرصه‌های بین‌المللی و تعامل با دیگر دولت‌ها تعیین شده است. این قواعد، اساس و اصول کلان سیاست‌گذاری خارجی حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهد و هیچ مدیر یا کارگزاری، بی‌جهت نمی‌تواند در مسیر اجرای برنامه‌های خود در عرصه‌های جهانی، آن را ندیده بگیرد.

یکی از این قواعد متقن، وفای به پیمان‌ها و معاهدات در روابط بین‌المللی است.

آیات قرآن درباره لزوم وفا به معاهدات خارجی

این اصل، یکی از اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی در روابط بین‌المللی با سایر دولت‌ها می‌باشد که بر اساس آن، نظام اسلامی وظیفه دارد به معاهده‌هایی که با دولت‌های دیگر امضا کرده است، پایبند باشد و پیمان‌هایی را که با جوامع دیگر بسته، تا پایان مدت معاهده، رعایت نماید مگر اینکه طرف مقابل آن را نقض کند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾^۱ به پیمان وفا کنید، زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد.

در جایی دیگر می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای وفا کنید.

^۱. اسراء، آیه 34.

همچنین در آیه 4 سوره توبه دستور فرموده که معاهده با مشرکان را تا تاریخ تعیین شده ادامه دهید:

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ

اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ اگر مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید، و چیزی از تعهدات خود نسبت به شما فروگذار

نکرده، و کسی را بر ضد شما پشتیبانی ننموده‌اند پس پیمان اینان را تا پایان مدتشان تمام کنید، چرا که خدا

پرهیزگاران را دوست دارد.

و نیز در آیه 7 همان سوره ادامه داد:

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ

فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد فرستاده او عهده‌ای تواند بود؟ مگر با کسانی

که کنار مسجدالحرام پیمان بسته‌اید. پس تا با شما بر سر عهد پایدارند، با آنان پایدار باشید، زیرا خدا پرهیزگاران

را دوست می‌دارد.

در معارف و حیانی توصیه شده که وقتی قراردادی بسته شود، نباید آن را شکست:

وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛

و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند؛ و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایانند؛ آنانند

کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگارانند^۱.

برخی آیات ضمن تأکید بر وفای به عهد، آن را در زمره امانت‌داری برشمرده‌اند.

1. مائده، آیه 1.

2. بقره، آیه 177.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند¹.

در این آیات، خیانت در قراردادهای و وفا نکردن به پیمان‌ها حتی دربارهٔ مشرکان روا دانسته نشده است!

سنت پیشوایان معصوم در وفا به تعهدات

احادیث زیادی از رسول اعظم (ص) در این زمینه وجود دارد که مسلمانان را به پایبند ماندن در پیمان‌ها سفارش و از نقض معاهدات، نهی می‌کند.

پیامبر خدا (ص) در ایام حکومت‌داری، پیمان‌های متعددی با مخالفان خود بستند و تا آخر به پیمان‌های خود پایبند ماندند، مگر اینکه مخالفان آن را نقض کردند. این سیره نبی اکرم (ص) نشان داد که رفتار دولت اسلامی با غیرمسلمانان در قراردادهای چگونه باید بنا نهاده شود. برای نمونه پس از امضای معاهده حدیبیه، رسول اکرم (ص) تازه مسلمان‌هایی را که از شکنجه و آزار قریش به سوی مدینه هجرت کرده بودند، بر خلاف شوق باطنی، به سوی مکه باز گرداندند. (ابن هشام،

1978)

مولی الموحدین امام علی (ع) در سفارشات حکومتی به مالک اشتر، وفای به عهد و التزام به پیمان‌های سیاسی و نظامی را مهم خوانده، از شکستن آن نهی می‌کنند:

اگر میان تو و دشمن پیمانی بسته شد یا تعهد کردی که به وی پناه دهی، جامه وفا را بر عهد خویش بیوشان و تعهدات خویش را محترم بشمار و جان خویش را سپر تعهدات خویش قرار ده، زیرا هیچ یک از فرایض الهی نیست که همچون وفای به عهد و پیمان مورد اتفاق مردم جهان با همه اختلافی که دارند باشد، حتی مشرکان زمان جاهلیت آن را مراعات می‌کردند، زیرا عواقب پیمان‌شکنی را آزموده بودند. پس هرگز پیمان‌شکنی مکن و

¹ مؤمنون، آیه 8 و معارج، آیه 32.

در عهد خود خیانت روا مدار... هرگز نباید در تنگناها، که تو را به پیمان شکنی می خوانند، به نقض پیمان روی آوری، زیرا شکیبایی در تنگناها، که امید گشایش و پیروزی در عاقبت آن داری، بهتر از پیمان شکنی و خیانتی است که مجازات الهی را در پی دارد (نهج البلاغه، نامه 53).

دیدگاه فقها

نظر فقیهان شیعه در این مسئله، عدم جواز نیرنگ با طرف مقابل و به تبع آن لزوم وفای به عهد تا پایان قرارداد است. مرحوم علامه حلی در تحریر الاحکام می فرماید: «إذا عقد الامام الهدنه وجب علیه الوفاء بما عقده ما لم ینقضه المشرکون». «هرگاه امام با مشرکین قرارداد ترک نبرد امضا کند واجب است تا هنگامی که مشرکین آن را نقض نکرده اند به آن پایبند باشد» علامه حلی در ادامه، این روایت را از پیامبر خدا (ص) نقل می کند: «من کان بینه و بین قوم عهد فلا یشد عقده و لا یحلها حتی ینقضی او ینبذ الیهم علی سواء»^۱؛ هر که با گروهی پیمان ببندد، پس باید آن را بر هم نزند و نقض ننماید تا مدت آن سپری یا از سوی طرف مقابل، نقض شود.

البته این روایت عامی است^۲ لیکن اصل مطلب بی نیاز از استدلال و روشن است که نقض عهد بدون دلیل، از محرمات است.

تزام حکم لزوم رعایت قراردادها با وجوب دفاع

گاه پس از امضای قراردادی، با گذشت زمان، شرایطی پیش می آید که رعایت مفاد قرارداد برای اسلام ضرر به همراه دارد، به گونه ای که ادامه آن نظام اسلامی را در مخاطره قرار می دهد. گاه هم متوجه می شوند که از آغاز طرف مقابل، با حيله و تزویر و با اطلاع از وضعیت قراردادهای بین المللی شیطنت نموده، قرارداد را به نحوی تنظیم کرده که در ادامه برای اسلام و مسلمین ضرر دارد. در این شرایط خاص، اگر ضرر به گونه ای باشد که تحمل آن برای نظام اسلامی میسر نبوده، آن را در

1. تحریر الاحکام، علامه حلی، ج 2، ص 224

2. رواه احمد و أبو داود و ترمذی.

معرض خطر قرار می‌دهد، نقض آن قرارداد جایز و در بعضی موارد واجب می‌شود.

ایجاد آمادگی برای اقدام روانی دشمن در فرض لغو قرارداد

باید پذیرفت که طرف مقابل به سهولت شکستن و نقض قرار را نخواهد پذیرفت و برای پایبند ساختن کشور اسلامی به مفاد قرارداد، ما را در تنگنای تبلیغاتی و تهاجم روانی قرار خواهد داد و با سیاه‌نمایی، مظلوم‌نمایی، بزرگ‌نمایی و تحریک افکار عمومی علیه نظام، موجب فتنه و ضررهایی خواهد شد. از این رو، لغو قرارداد باید همراه با زمینه‌سازی روانی و در دست گرفتن ابتکار عمل در این باره باشد که تأثیر تهاجم روانی آنها را به حداقل برساند.

حتی اگر توان مقابله روانی نظام و زمینه‌سازی برای لغو قرارداد به گونه‌ای نیست که با موفقیت همراه باشد و لغو قرارداد موجب بی‌آبرویی نظام اسلامی گشته، آن را بی‌تعهد و غیر پایبند به قول و قرارها نشان دهد، در این صورت لغو قرارداد غیر جایز و بلکه باید با تحمل ضرر به اجرای مفاد قرارداد راضی شد.

اولویت حفظ آبروی نظام

طبق موازین فقهی عملیات روانی در صورتی مجوز دارد که برای حفظ نظام اسلامی ضروری باشد، اما هر اقدامی که ورود در آن، نظام را محدود می‌سازد حفظ آبروی نظام است. (؟؟؟؟؟ مبهم است)

اگر انجام کاری برای حفظ مصالح یا حتی اصل نظام ضروری به نظر برسد، اما موجب از دست رفتن آبروی نظام باشد؛ در این صورت آن عمل رها می‌شود و باید متوقف گردد؛ زیرا حفظ آبروی نظام مقدم بر اصل نظام است. گو اینکه تصور این مطلب در واقع بسیار مشکل است اما در ظاهر می‌توان برای آن مصادیقی را از سیره اهل بیت (ع) بیان نمود.

از جمله آن صبر با عظمت امیرالمؤمنین (ع) در برابر هجوم به خانه ایشان و ترک شکوهمندانه مقاومت مسلحانه است. شاید اگر مولا علی (ع) دست به شمشیر می‌بردند، می‌توانستند مهاجمان را از خانه بیرون کرده، مانع وارد آمدن لطمه منجر به

شهادت حضرت زهرا (س) و حتی موفق به گرفتن قدرت از دست طرف مقابل شوند، اما در این صورت افکار عمومی مدینه در اختیار ایشان نبود بلکه افرادی با عملیات روانی، ایشان را فردی مستبد معرفی می‌کردند. که برای رسیدن به قدرت دست به خون اصحاب رسول خدا (ص) آغشته ساخته، خون بیگناهان را ریخته است. در نتیجه در طول تاریخ کسی به ایشان به عنوان مقتدا و پیشوا مراجعه نمی‌کرد و نظام اسلامی برای همیشه نابود می‌شد.

امام خمینی (ره) در این جملات به خوبی چنین وضعی را تبیین کردند:

«هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی علیهم السلام و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب، آن قدر آماج حملات و کینه‌ها گردند و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت‌پذیری در کشوری که با محاصره و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کاری مشکل است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری‌های بیشتر آماده کنند، و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند» (امام خمینی، ص 21).

بر این اساس، می‌توان این اصل را ادعا نمود که هرگاه انجام امری برای تقویت نظام اسلامی مفید باشد اما اجرای آن موجباتی را فراهم آورد که دشمنان از آن برای وارد کردن خدشه به آبروی نظام اسلامی سوءاستفاده کنند و در عمل، نتوان افکار عمومی را نسبت به اجرای آن توجیه نمود، باید آن عمل به طور موقت متوقف شود؛ مانند اجرای حدود و قصاص در ملاء عام یا رسانه‌ای ساختن آن در وضعیت تبلیغاتی کنونی که دشمن به جوسازی‌های همه‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام می‌کند، در این تبلیغات این گونه ادعا می‌شود که در ایران اختناق سیاسی حاکم است؛ مخالفین به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شوند؛ هر کسی با نظام اعلان مخالفت کند مجازات مرگ دارد. آنان کشتار در ایران را امری روزمره نشان

می‌دهند، دلیل آنان برای این یاوه‌گویی‌ها تنها پخش تصاویر اعدام‌هایی است که به خاطر اجرای قانون قصاص و یا اجرای حدود اعمال می‌شود.

امام راحل رضوان الله تعالی علیه بارها و بارها بر لزوم حفظ آبروی اسلام و اهمیت آن تأکید می‌ورزیدند. در موردی فرمودند: ایرانیان مقیم خارج باید حافظ آبروی ایران باشند. از اموری که باعث تأسف من است ... جوان‌هایی که در اینجاها هستند گاهی در دکان‌ها، در مؤسسات دولتی ... یک تخلفاتی می‌کنند، به حجت اینکه خوب اینها مال ما را خوردند پس ما هم مال آنها را. این صحیح نیست. ... اگر از شماها یک مطلب خیانتی ببینند عمومیت به ملت ایران می‌دهند. این طوری است [که می‌گویند] دزدند ملت ایران یا مسلمان‌ها این جوری هستند! از این جهت باید خیلی این جهات را ملاحظه کنید... ولو جایز هم بدانید که مال این مؤسسه را بردارید، برندارید. تحرُّز کنید از این معنی برای اینکه حفظ آبروی خودتان و حفظ آبروی اسلام و حفظ آبروی ملت لازم است. اگر در یک جایی که - مثلاً - می‌روند این جوان‌ها، در آنجا سوار اتومبیل می‌خواهند بشوند یا سوار طیاره بشوند یا قطار بشوند، بلیت‌ها را - مثلاً - تخلف بکنند و تقلب در آن بکنند، این با حیثیت انسانی یک ملت دارند بازی می‌کنند. اینها را شما با رفقای‌تان سفارش کنید که احتراز کنند از این مسائل؛ و این حجت که آنها مال ما را خوردند پس ما هم مال آنها را بخوریم، این حجت درست نیست، صحیح نیست. شما باید حفظ حیثیت ملت خودتان را، حفظ حیثیت اسلام را بکنید تخلفاتی که موجب هتک یک ملتی است هرگز نکنید؛ ولو جایز هم بدانید نکنید؛ ولو یک کسی هم هست به شما ظلم بکند شما باز تقلب - چیزی که اسمش تقلب می‌گذارند، اگر کشف بشود پلیس آن را تقلب می‌داند - یک همچو کاری هرگز نکنید (امام خمینی، ج 5، ص 219).

بیانات حکیمانه رهبر کبیر انقلاب اسلامی (ره) اگرچه درباره انجام دادن اموری کوچک است اما آنچه به عنوان قاعده کلی

بیان می‌فرمایند همان اهم بودن حفظ آبروی اسلام و نظام اسلامی است. این عبارت که «ولو یک کسی هم هست به شما ظلم بکند یعنی حق با شماست و شاید احساس کنید عنوان دفع ظلم واجب است، اما اگر بی‌آبرویی اسلام را در پیش دارد، باید خودداری کنید».

حضرت امام در مورد دیگری نیز در اهمیت حفظ آبروی اسلام می‌فرمایند:

ما تاریخ اسلام پیشمان هست و می‌بینیم که پیغمبر اکرم (ص) در بعضی از جنگ‌ها شکست خورده. در مکه هم که بوده است دائماً در انزوا، و بدون اینکه بتواند یک کاری انجام بدهد. گاهی حبس بوده است توی آن غار. ... مدینه هم که تشریف آوردند، البته نهضت را پیش بردند، لکن [در] بعضی جنگ‌ها شکست خورد .. حضرت امیر-سلام الله علیه- هم در جنگ با معاویه شکست خورد. یعنی شکستی که از لشکر خودش، از آن اشخاص نادان مقدس‌مآب شکست خورد. حضرت سیدالشهدا هم شکست خورد و کشته شد، اما پیروزی نهایی را داشتند آنها. مکتبشان شکست نخورد با کشته دادن. دشمنشان را عقب زدند. معاویه و بساط معاویه را که می‌خواست اسلام را به صورت یک امپراتوری درآورد [و] برگرداند به زمان جاهلیت، و آن اوضاع جاهلیت، شکستش دادند. یزید و اتباع یزید دفن شدند تا ابد، و لعن مردم بر آنهاست تا ابد، لعن خدا هم بر آنهاست و آنها خودشان محفوظ بودند. ما هم اگر چنانچه این‌طور شکست بخوریم، افتخاری است برایمان و اشکالی هم برایمان نیست که همان طوری که مجاهدین صدر اسلام شکست می‌خوردند، ما هم شکست بخوریم. این نهضتمان پیش می‌رود و آبروی اسلام محفوظ می‌ماند. تا آخر هم محفوظ می‌ماند. اما اگر حالا که ما مدعی این هستیم که انقلاب اسلامی است و جمهوری اسلامی است و امثال ذلک، و ما در این جمهوری اسلامی شکست بخوریم به [این] عنوان، [شکست ما] یعنی شکست مکتب، یعنی گفته بشود که رژیم طاغوتی عوض شده یک رژیم طاغوتی دیگر آمده [این

خطرناک است] که دشمن‌های ما هم همچو نیست که اکتفا کنند به اینکه مثلاً، فلان کمیته خلاف کرده است، فلان دادگاه خلاف کرده، این را می‌آورند روی اینکه آخوندها اینجوری‌اند، به این هم اکتفا نمی‌کنند که روحانیین اینجوری‌اند اینها با اسلام مخالفند. می‌گویند اسلام هم همان بود. اسلام هم همان مثل رژیم‌های دیگر است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی همه اقشار مردم را به حفظ حیثیت نظام فرا می‌خواند و می‌فرماید:

به همه اقشار مردم ایران توصیه می‌کنم که قدر حیثیت اسلامی و آبروی سرشار انقلاب خود را بدانند و سعی کنند آن را حفظ کنند. اسلام به ملت و کشور ما خیلی عزت و شخصیت داده است. جا دارد که هرچه در توان داریم، از اسلام و نظام اسلامی دفاع کنیم (7 تیر 1368).

معظم له با اشاره به لزوم حفظ حیثیت کلان نظام می‌فرماید:

«امروز، حفظ حیثیت و آبروی انقلاب و نظام اسلامی و حفظ وحدت، بر همه واجب است» (11 مهر 1369).

3. مرز جدایی عملیات روانی مشروع از افشای اسرار

اصل اولی؛ حرمت تجسس

کنجکاوی در یافتن کاستی‌ها یا نقاط ضعف اشخاص و افشای اسرار فی‌نفسه در صورت عدم رضایت آنها حرام است. قرآن در این باره فرموده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ

يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ¹؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان

¹ سخنرانی در مراسم بیعت خانواده‌های شهدای هفتم تیر، اعضای شورای عالی قضایی و مسئولان دادگستری و جمعی از مردم استان، 7 تیر 1368.

² سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، در اولین روز از هفته وحدت، 11 مهر 1369.

ها بهره‌زید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی مکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید. [پس] از خدا بترسید، که خدا توبه‌پذیر مهربان است.

در آیه دیگری از افشای اسرار و حتی زشتی‌های دیگران، نهی شده است:

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛^۱

کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود، و خدا [است که] می‌داند و شما نمی‌دانید.^۲

امیر مؤمنان (ع) در ابلاغ حکومتی خود به مالک اشتر به وی توصیه فرمودند که در عیوب مردم که بر وی پوشیده است، کنجکاو نباشد و تا حد ممکن خطابخش و جرم‌پوش باشد.

امام صادق (ع) فرمودند:

من انب مؤمنان به الله عزوجل فی الدنيا و الاخره؛^۳ هر کسی سرزنش کند مؤمنی را خدای عزوجل در دنیا و آخرت او را سرزنش خواهد نمود.

ممنوعیت افشای اسرار در قوانین

در اصل 25 قانون انواع تجسس، از جمله ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی و استراق سمع، ممنوع دانسته شده است.

² حجرات، آیه 12.

³ نور، آیه 19.

در قوانین موضوعه، اشخاصی که به مناسبت شغل و حرفه خود اسرار دیگران را به دست می‌آورند، اگر افشای اسرار کنند، مرتکب جرم شده‌اند. اگر قرار باشد پزشک یا هر شخص دیگری که از اسرار مردم آگاه می‌شود آن را به دیگران بازگو کند، موجب هرج و مرج و بی‌اعتمادی مردم می‌شود.

در قانون مجازات اسلامی، پزشکان، جراحان، ماماها و داروفروشان و همه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر موارد قانونی اسرار مردم را افشا کنند، از سه ماه و یک روز تا یک سال حبس محکوم می‌شوند. علاوه بر این، طبق ماده 23 قانون مطبوعات، توهین، افترا و هتک حرمت از اشخاص و انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک نسبت به اشخاص ممنوع است و مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌شود.

ماده 140 قانون تعزیرات در این خصوص مقرر می‌دارد:

هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا انتشار آنها یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع به کسی امری را صریحاً نسبت دهد که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود، نسبت‌دهنده مفتری خواهد بود مشروط بر اینکه نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید. مجازات مفتری جز در مواردی که حد تعیین شده، تا 74 ضربه شلاق است.

حضرت امام خمینی (ره) در فرمان هشت ماده‌ای خود، خطاب به دستگاه‌های قضایی، در مورد حقوق مردم و قوانین، می‌فرماید:

هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخص بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی -

اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا به دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان، از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق، مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد¹ (امام خمینی، ج 17، ص 140).

حرمت تجسس در زندگی خصوصی افراد و دیگری حرمت تجسس، بر ضد نظام جامعه اسلامی مهم‌ترین مستثنیات حرمت تجسس آمده که عبارتست از:

استثنای حرمت تجسس و افشا

هر چند طبق اصل اولی در تحقیق و افشای شخصی، مسائل خانوادگی یا اجتماعی، بر حرمت تجسس است، اما هنگامی که پای مصالح اجتماعی و حفظ امنیت جامعه به میان می‌آید، از تجسس و تفتیش‌گری نیست. زیرا نظام اسلامی باید از ترفندهای دشمنان خارجی و فعالیت‌های معارضان داخلی اطلاعات کافی کسب کند.

در فقه، مواردی به عنوان استثنا از حرمت تجسس یا افشای اسرار، شمرده شده است. مانند: تحقیق در امر ازدواج، شهادت در نزد حاکم شرع، تفحص از اعمال و احوال صغار برای تربیت و اعمال سرپرستی آنان، رسیدگی به احوال محرومان جامعه، تفحص از عملکرد کارگزاران و مدیران ارشد، تجسس از رفتار و مواضع دشمنان خارجی و بدخواهان داخلی. همچنین در برخی موارد که تنها با تجسس می‌توان حقوق افراد را ادا نمود و از ظلم، جلوگیری کرد، تجسس، جایز شده است.

تعارض حرمت افشای اسرار با وجوب دفع تهدیدات نرم

¹ صحیفه نور، ج 17، ص 140.

عملیات روانی در ذات خود به معنای استفاده از ابزار گمانی و خیالی و وارد شدن در منطقه ظن و گمان است تا با بزرگ‌نمایی و سیاه‌نمایی موجب عقب‌نشینی طرف مقابل از مواضع شود.

بر همین اساس، اجرای عملیات روانی ما علیه دشمن بیرونی می‌تواند با افشای واقعیت‌هایی درباره او همراه باشد. اجرای چنین عملیاتی نقاط ضعف او را برملا می‌نماید و در نتیجه نیروهای او دچار تردید می‌شوند و منطقه را رها می‌کنند.

عملیات روانی برای جلوگیری از نفوذ دشمن

گاه هدف از اجرای عملیات روانی، مقابله با جریان نفاق است. این زمانی روی می‌دهد که افرادی وارد سیستم خودی شده، به دنبال رسیدن به قدرت و ضربه زدن از طریق نفوذ در لایه‌های مهم مدیریتی یا قرار گرفتن در رده‌های بالای مدیریتی باشند. این افراد را با ابزار معمولی نمی‌توان از مدار خارج نمود، بلکه نفوذ آنها در حدی است که رده‌های تصمیم‌گیرنده درباره حضور یا حذف آنها دچار تردید می‌شوند و گاه نظر مساعد دارند. حتی ممکن است سیستم‌های امنیتی هم اطلاعاتی از برنامه نفوذ چنین افرادی داشته باشند اما نمی‌توانند درک خود را از وضعیت با اطلاعات و اخبار معمولی به افراد تصمیم‌گیرنده انتقال دهند یا شرایط به گونه‌ای است که نمی‌توانند حساسیت‌ها را منتقل کنند. در این وضعیت، برای انتقال حساسیت‌ها چاره‌ای غیر از به کارگیری ابزار عملیات روانی همانند بزرگ‌نمایی، ایجاد جو تشویش همراه با تأکید بیش از اندازه و امثال آن ندارند. البته این عملیات روانی نیست بلکه اطلاع‌رسانی است و دروغی را در پی ندارد تا عنوان مُحَرَم بر آن صادق باشد. با کمی تأمل در می‌یابیم که در حقیقت این اقدام، بزرگ‌نمایی نیست، بلکه بیان بزرگی و حساسیت است، گو اینکه در اصطلاح آن را عملیات روانی نام دهند.

مرز عملیات روانی برای کاهش فشار افکار عمومی

گاه عملیات روانی برای کاستن از فشار افکار عمومی است. یعنی افکار عمومی به گونه‌ای است که تأیید کردن و وانمود

کردن نسبت به ادامه اعتماد بر آن فرد را بر مسئولین تصمیم‌گیرنده الزامی می‌کند. در چنین وضعی اگر افکار عمومی کنترل نشود به اجبار باید عامل نفوذی را تأیید نمود و برای کاهش و زدودن خطر وی، باید افکار عمومی را در این باره آماده کرد. در این وضعیت، نیازمند عملیات روانی هستیم. در این صورت افشاگری نسبت به اقدامات پنهان آن فرد حتی در چارچوب شایعه‌پراکنی و گسترش اخبار غیر مستند می‌تواند راهی مناسب باشد، اما این در صورتی است که به موارد محرمه شرعی منجر نشود. یعنی مستلزم دروغ فاحش، افشای اسرار نظام یا بی‌آبرو شدن آن نباشد.

افرادی که در لایه‌هایی از نظام مشغول بوده و اکنون مصمم به حذف آنها به دلیل ناهنجاری‌ها یا ارتباطات آنها با بیگانه هستیم، اگر بیان واقعیت‌های مربوط به آنها در دوران خدمت موجب افشای اسرار نظام و در نتیجه وارد شدن ضربه بر اصل نظام یا آبروی آن باشد در این صورت باید اهمیت آن به اطلاع حاکم برسد تا او شرایط را بررسی کند، اگر حاکم تشخیص دهد افشای اسرار، مرجوح است ترک می‌شود.

اما افشای اسرار نظام اسلامی در صورتی که موجب ضعف و سستی در نظام یا امکان بهره‌برداری دشمن از آن یا خدشه در آبروی نظامی اسلامی شود، حرام است و اگر عناوینی که موجب حرمت است در مقابل عنوان موجود در افشاگری علیه چهره منافق و نفوذی مرجوح باشد، در این صورت عملیات روانی همراه با افشای اسرار نظام بلامانع می‌شود و اگر راجح باشد نمی‌توان اقدام نمود.

4. عملیات روانی برای نهی از منکر

شرایط وجوب نهی از منکر

نهی از منکر، زمانی واجب می‌شود که شرایطی وجود داشته باشد. از جمله شرایط وجوب، این است که نهی کننده، منکر را

بشناسد؛ احتمال تأثیر دهد؛ مخاطب را مصرّ بر گناه بیابد و نهی کردن، منجر به مفسده‌ای همچون ضرر مالی و جانی نشود.

افشای اسرار بر گناه، از مراتب نهی از منکر

نهی از منکر مراتبی دارد و از موارد پایین‌تر تا شدیدتر پیش می‌رود. در همین راستا، اگر نهی از منکر نیازمند زمینه‌سازی برای تأثیرپذیری گنهکار از نهی باشد، باید زمینه‌سازی کرد. یکی از این زمینه‌سازی‌ها سخت کردن شرایط برای انجام منکر در جامعه از راه فشار افکار عمومی بر گنهکاران است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به این مرتبه از نهی از منکر می‌فرماید:

تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است ... نهی از منکر زبانی، مهم‌تر است. عاملی که جامعه را اصلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی است. به آن آدم بدکار، به آن آدم خلافکار، به آن آدمی که اشاعه فحشا می‌کند، به آن آدمی که می‌خواهد قبح گناه را از جامعه ببرد، مردم باید بگویند. ده نفر، صد نفر، هزار نفر! افکار عمومی روی وجود و ذهن او باید سنگینی کند. این، شکننده‌ترین چیزهاست (22 تیر 1371).¹

تأثیر امر و نهی زبانی - اگر انجام گیرد - از تأثیر مشت پولادین حکومت‌ها بیشتر است. من چند سال است که گفته‌ام امر به معروف و نهی از منکر. البته عده‌ای این کار را می‌کنند؛ اما همه نمی‌کنند. همه تجربه نمی‌کنند، می‌گویند آقا چرا اثر نمی‌کند؛ تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید. اصلاً لازم هم نیست زبان گزنده باشد و یا شما برای رفع آن منکر، سخنرانی بکنید. یک کلمه بگویید: آقا! خانم! برادر! این منکر است. شما بگویید، نفر دوم بگویید، نفر سوم بگویید، نفر دهم بگویید، نفر پنجاهم بگویید؛ کی می‌تواند منکر را ادامه دهد؟ (22

اردیبهشت 1377).²

¹ بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌ها، گروهان‌ها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور در سالروز شهادت امام سجاد (ع)، 22 تیر 1371.
² بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، 22 اردیبهشت 1377.

اما زمینه‌سازی برای تأثیرپذیری گنهکار نباید مستلزم انجام حرام شود.

خواندن آیات عذاب الهی و به کارگیری موعظه در تحریک احساسات و رام ساختن نفس سرکش در برابر خدا بسیار مطلوب و گاه واجب است. در صورتی که شخص در برابر این گونه اقدامات نیز مقاومت نشان داده به انجام منکر ادامه دهد، چنانچه تحقیر او در برابر دیگران نسبت به معصیتی که به صورت علنی مرتکب شده او را از ادامه معصیت باز دارد، می‌توان او را تحقیر کرد؛ چرا که با انجام آن گناه حرمت خویش را شکسته، تحقیر او با این گناه دیگر شکستن حرمت او محسوب نمی‌شود و همانند غیبت است که اگر کسی گناهی علنی را مرتکب شود می‌توان آن را برای دیگران بیان نمود اما اگر کسی مرتکب گناهی است که دیگران از آن اطلاعی ندارند بیان آن برای دیگران غیبت حرام است.

اما اگر عملیات روانی به موارد محرمة بینجامد جایز نیست مانند اینکه در نهی از منکر دچار دروغ شده، ایراد تهمت یا سایر موارد ممنوع شرعی را مرتکب شویم، در این صورت نهی از منکر به ضد خود یعنی عمل به منکر مبدل می‌شود.

خدای متعال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ

وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت

دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر

است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.¹

رعایت عدالت در انجام امور واجب است حتی اگر طرف مقابل در بی‌عدالتی باشد. البته اگر منکر به نحوی است که نظام و مسلمان‌ها را در خطر قرار داده، راهی برای جلوگیری از آن نیست مگر اجرای عملیات روانی و در حقیقت منکر از کاری ساده و فردی فرارفته و مبدل به هجوم علیه کیان اسلام و مصالح مسلمین گشته در این صورت به دلیل انطباق عنوان

¹ نساء، آیه 135.

هجوم بر اسلام دفع آن واجب است که اگر دفع آن متوقف بر عملیات روانی باشد در این صورت باید با رعایت جوانب مختلف و رعایت ضرورت‌ها و حداقل‌ها آن را انجام داد.

نتیجه‌گیری

- حکومت اسلامی و آحاد مسلمانان موظفاند که برای دفع تجاوز دشمن از کیان اسلامی و حفظ مال و جان و آبرو و باورهای مسلمانان اقدام کنند و تهدیدهایی را که متوجه آنان است، رفع کنند. در این تکلیف متناسب با حمله و تهدید، دفاع فیزیکی یا تبلیغی و اطلاع‌رسانی را در بر می‌گیرد. در این میان، اگر دفاع به اضطرار منجر به ایراد ضرر به برخی از مسلمانان شود، باید از محل مخارج بیت‌المال جبران شود.

- التزام به تعهدات بین‌المللی واجب است مگر اینکه با گذشت زمان رعایت مفاد قرارداد ضرری را متوجه اسلام کند و تداوم نظام اسلام را به مخاطره افکند. همچنین اگر مکشوف گردد که طرف مقابل از ابتدا با حیله و تزویر و با سوءاستفاده از مفاد قراردادهای بین‌المللی، تعهدی را بر نظام اسلامی تحمیل کرده که تحمل آن میسر نیست نقض قرارداد جایز بلکه واجب است. با وجود این، باید زمینه شکستن و نقض قرارداد تمهید شود تا بستر سیاه‌نمایی نظام اسلامی فراهم نیابد.

- تقدم حفظ آبروی نظام بر حفظ مصالح یا حتی اصل نظام از احکامی است که مصادیقی چند از سیره اهل بیت (ع) می‌توان بر آن اقامه کرد. بر این اساس، حتی اجرای حدود را می‌توان متوقف ساخت، اگر دستاویزی از سوی دشمنان علیه آبروی نظام شود.

- کنجکاوی در یافتن کاستی‌ها یا نقاط ضعف اشخاص و افشای اسرار فی‌نفسه در صورت عدم رضایت آنها حرام است. چنانچه امیرمومنان (ع) در ابلاغ حکومتی خود به مالک اشتر به وی توصیه کردند که در عیوب مردم که بر وی پوشیده است، کنجکاوی نکند و تا حد ممکن خطابخش و جرم‌پوش باشد.

- ممنوعیت افشای اسرار از مضامینی که در قانون مورد توجه قرار گرفته است. اصول 25، 23 و ماده 140 قانون تعزیرات حدود آن را مشخص نموده است. لیکن، هنگامی که مسئله مصالح اجتماعی و حفظ امنیت جامعه مطرح شود از تجسس و تفتیش گریزی نیست. در این خصوص، اجرای عملیات روانی علیه دشمن می‌تواند با افشای واقعیت‌هایی درباره او همراه باشد.

- برای مقابله با جریان نفاق که سعی می‌کند وارد سیستم خودی شده، یا نفوذ در لایه‌های مهم مدیریتی به نظام اسلامی ضربه بزند، چاره‌ای غیر از به کارگیری ابزار عملیات روانی وجود ندارد.

- جریان نفاق گاه چنان افکار عمومی را در اختیار می‌گیرد که مسئولین، ناگزیر از تظاهر به اعتماد بر آن فرد یا افراد می‌شوند. در این حال، اجرای عملیات روانی با انجام افشاگری نسبت به اقدامات پنهان آنها در قالب شایعه‌پراکنی و گسترش اخبار غیر مستند البته با رعایت مواد محرمه شرعی که آبروی نظام را به خطر نیندازد، مشروعیت می‌یابد.

- هنگامی که شرایط نهی از منکر محقق شود انجام آن واجب می‌گردد. در صورتی که استفاده از تاکتیک‌های عملیات روانی، در هدایت شخص گمراه مؤثر واقع شود می‌توان از آن بهره برد. اما اگر عملیات روانی به انجام مواد محرمه بینجامد به کارگیری آن صحیح نیست.

منابع

- ابن هشام، السیره النبویه، قاهره، مکتبه الکلیات الذهبی، 1978م، ج 3، ص 204 و ابن اثیر، الکامل، ج 2، ص 90
- تحریر الحکام، علامه حلی، ج 2، ص 224
- سخنرانی در مراسم بیعت خانواده های شهدای هفتم تیر، اعضای شورای عالی قضایی و مسئولان دادگستری و جمعی از مردم استان، 7 تیر 1368.
- سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، در اولین روز از هفته وحدت، 11 مهر 1369.
- صحیفه نور، ج 17، ص 140.
- بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌ها، گروهان‌ها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور در سالروز شهادت امام سجاد (ع)، 22 تیر 1371.
- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، 22 اردیبهشت 1377.